

سب





رسم خوبان

۶۷

میرماںج نواز، عبادت از بیمارستان



عنوان و نام پدیدآور: میهمان نوازی، عیادت از بیماران: سبک زندگی در الگوی شهیدان/ گردآوری و

تدوین موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت.

مشخصات نشر: تهران: موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۱۳۳ ص.

فروست: رسم خوبان، ۶۷.

شابک: دوره: 1-084-495-964-978-521-1: 978-964-495-521-1: ۸۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۳۹.

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان -- خاطرات

موضوع: Personal narratives -- Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Martyrs

شناسه افزوده: موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

زده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۱۶۲۸/۹۷ DSR

زده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۳۳

شماره کتابشناسی ملی: ۴۹۹۱۶۶۳

رسم خوبان

۶۷

میهمان نوازی، عیادت از بیماران

گردآوری، تدوین و نشر:

موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

لیتوگرافی: سحر | چاپ و صحافی: سفیر اردهال

طراح و گرافیسیت: امیرخلیلی فرد | ویراستار: حسن یونسی

نوبت چاپ: دوم ۱۳۹۷ | شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۱-۵۲۱-۴۹۵-۹۶۴-۹۷۸

شابک دوره: ۱-۰۸۴-۴۹۵-۹۶۴-۹۷۸

تلفن: ۶۶۴۶۹۹۵۸ و ۶۶۴۱۱۱۵۱ نمابر ۶۶۴۶۷۳۹۴

www.ghadr110.ir

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است



تقدیم به
مادران، پدران، همسران و فرزندان
شهدای هشت سال دفاع مقدس

تلفن تماس نمایندگان های مؤسسه‌ی فرهنگی هنری قدرولایت

تلفن	شهر	تلفن	شهر
۰۷۱۵۴۲۳۴۶۹۶	چهرم	۰۸۶۳۲۲۶۳۸۲۰	اراک
۰۷۱۳۳۶۲۶۴۷۴۳	شیراز	۰۴۵۳۳۷۴۷۷۱۱	اردبیل
۰۲۵۳۷۷۴۲۷۵۷	قم	۰۶۱۳۲۲۱۱۷۲۵	اهواز
۰۲۵۳۷۸۳۹۴۰۲	قم	۰۲۴۲۵۲۴۳۴۴۲	ابهر
۰۲۵۳۷۷۳۵۰۰۳	قم	۰۱۱۳۲۲۹۸۱۵۵	بابل
۰۲۵۳۷۷۴۳۷۷۹	قم	۰۹۱۷۶۶۷۱۵۵۴	بوشهر
۰۵۱۳۲۲۵۵۲۹۴	مشهد	۰۴۱۳۳۳۵۹۷۹۲	تبریز
۰۴۱۴۲۲۶۴۰۹۱	مرند	۸۸۹۰۳۸۴۳	تهران
۳۶۲۶۸۱۱۸	ورامین	۰۷۶۲۲۲۴۵۵۱۰	بندر لنگه
۰۷۴۱۲۲۳۶۴۰۹	یاسوج	۰۲۳۳۳۴۸۷۸۰۲	سمنان

فهرست مطالب

- ۱۱ مقدمه
- ۱۷ همه‌ی آداب میهمان‌داری را رعایت می‌کرد
- ۱۸ میهمان نواز بود!
- ۱۹ با صلوات غذا تقسیم می‌کرد!
- ۲۰ بی آرام و قرار می‌شد!
- ۲۱ دیدی بالأخره گرفتم!
- ۲۲ ما باید به جانبازان خدمت کنیم!
- ۲۳ مصداق حدیث مولای متقیان!
- ۲۴ بیشتر از این از دستم بر نمی‌آید
- ۲۵ ساعت‌نامزدی‌اش را به عنوان هدیه داد
- ۲۶ پاهایم را بوسید!
- ۲۷ سراغ بیمارانی می‌رفت که عیادت کننده نداشتند
- ۲۸ پتو و لحاف خود را در اختیار میهمانان می‌گذاشتند
- ۲۹ خودش برای بچه‌ها غذا می‌گذاشت
- ۳۰ جلو خانه‌اش همیشه ماشین و موتور پارک بود
- ۳۱ همین که پدر شهید است، کافی است!

- ۳۲ گل لبخند بر لبان مجروحان و امدادگران می‌نشانند
- ۳۴ برای پذیرایی سخت نمی‌گرفت
- ۳۵ بعد از هر عملیات از مجروحان پرستاری می‌کرد
- ۳۶ شش ماه کنار تختم بود!
- ۳۷ صبر مثال زدنی داشت!
- ۳۹ خانه‌اش، میهمان پذیر بود
- ۴۱ او با میهمانان شام خورد!
- ۴۲ میهمان با خودش برکت می‌آورد!
- ۴۳ میهمان عزیز من است!
- ۴۵ کولت می‌کنم می‌برم!
- ۴۶ باید خودم پذیرایی کنم!
- ۴۸ کجای این کار عیب است!
- ۵۰ نزدیک بیست روز به من خدمت کرد
- ۵۱ ماهی یک‌بار بستگان را به خانه دعوت می‌کرد
- ۵۲ میهمان باید دلش برایتان تنگ شود
- ۵۴ تو روی تخت باشی و من سالم باشم!؟
- ۵۵ با محبت جانباز را حمام کرد
- ۵۷ پنج‌شنبه‌ها روز خوشی جانبازان بود!
- ۵۹ خون به جانباز داد
- ۶۰ با وضع مجروحش از ما پذیرایی کرد
- ۶۱ آداب میزبانی را به جا می‌آورد
- ۶۲ دلم نیامد بیدارت کنم
- ۶۳ بر خورد با متصدیان بیمارستان
- ۶۴ به مجروحان و پرستاران کمک می‌کرد
- ۶۵ به همه‌ی مجروحان هدیه داد
- ۶۶ آداب میهمان داری را رعایت می‌کرد
- ۶۷ بی سروصدا و خالصانه خدمت می‌کرد
- ۶۸ این عادت بختیار بود!

- ۶۹ چرا رفتید جای دیگر؟!
- ۷۰ فرشته ای در غربت
- ۷۱ مثل پروانه دور میهمان میگشت
- ۷۲ هر وقت فرصت داشت به ملاقاتم می آمد
- ۷۳ یک غذای ساده!
- ۷۴ میهمانی مان ساده بود
- ۷۵ من ماندم به میهمان خدمت کنم
- ۷۶ همان جعبه شیرینی را بردند!
- ۷۷ در مقابل مجید احساس حقارت می کردم
- ۷۸ من که نمرده ام!
- ۷۹ انگار نزدیکترین اعضای خانواده اش بود!
- ۸۰ چرا من دعوا کنم؟!
- ۸۱ خانه ی سیّد فرصتی برای دیدار تازه بود
- ۸۲ برای آنهایی که نمی آمدند، افطاری میداد ببرند
- ۸۳ خدا ما را ببخشد!
- ۸۴ هر روز به ملاقاتم می آمد
- ۸۵ عیادت طولانی!
- ۸۶ شنیدم مجروح شدی، آدمم سر بزمن!
- ۸۷ شده بود چشمهای من!
- ۸۸ سرکشی به مجروحان!
- ۸۹ شبها نوبتی می آمد و پیش من می ماند!
- ۹۰ شماها باید قوی باشید!
- ۹۱ مجبور شدم از پنجره حیاط بیمارستان بیایم!!
- ۹۲ حضورش در بیمارستان روحیه بخش بود
- ۹۴ قرائت زیارت عاشورا برای شفای مجروح!
- ۹۵ میهمان عزیز است
- ۹۶ سحریمان را هم میداد!
- ۹۷ میزبانی از کپرنشینها

- ۹۸ همچون میهمانی عزیز از او پذیرایی کرد
- ۹۹ احساس غربیتی از بین میرفت
- ۱۰۱ همین که او مرا می شناخت، کافی است
- ۱۰۳ شرطم را پس گرفتم، به میهمانها برس!
- ۱۰۶ در میهمان نوازی عجیب بود
- ۱۰۷ گشاده رو و خوشرفتار با میهمان
- ۱۰۸ خوش مشرب بود و پُر جاذبه
- ۱۰۹ میهمان عزیز است!
- ۱۱۰ شب پیر مرد را به منزل خود برد!
- ۱۱۱ با گرمی و محبت برخورد کرد!
- ۱۱۳ نمیگذاشت برگردیم
- ۱۱۴ به دوستانم احترام بسیاری میگذاشت
- ۱۱۵ من افتخار میکنم خدمت به میهمانان را
- ۱۱۶ شب عروسی من شد آبدارچی
- ۱۱۷ هر روز میآمدرس میزد!
- ۱۱۸ دست میکشید روی سرم
- ۱۱۹ از دختر بچهی مریض مراقبت کرده بود
- ۱۲۰ برایت شیر آوردهام سید!
- ۱۲۱ کمپوت دهانشان میگذاشت
- ۱۲۲ به یک بیمار سرطانی کمک کرد
- ۱۲۳ با دو پا آمدهام تشییع تو
- ۱۲۴ تلفن میزد و حالم را میپرسید
- ۱۲۵ مرتب به من سر میزد
- ۱۲۶ به عیادت رزمندگان مجروح میرفت
- ۱۲۷ برای مریضهدارو میخرید
- ۱۲۸ در خانه بند نمیشد
- ۱۲۹ منابع

مقدمه

توصیهٔ اکید خدای رحمان و رحیم، بعد از اطاعت و بندگی خود، احسان به پدر و مادر است. سفارش خداوند به احسان پدر و مادر، بخاطر زحمات و فداکاریهایی که آنان در حق فرزندان کشیده‌اند، ضابطه و شالودهٔ بنای خانواده و استحکام آن است. علاوه بر استحکام خانواده، روابط اجتماعی نیز تحت تأثیر این احساس و تلطیف شده و از بسیاری ناهنجاریهای اجتماعی جلوگیری می‌شود.

اطاعت از پدر و مادر تا جایی که دستور گناه و خلاف امر
خدا صادر نکرده‌اند و فرزند را به معصیت خدا و ایجاد فساد در
جامعه فرا نخوانده‌اند، واجب است و فرزندان - که در آینده خود
پدر و مادر خواهند شد - لازم است مراتب خاکساری و اطاعت و
حُسن خلق و مدارا را با پدر و مادر داشته باشند.

شهادای دفاع مقدس، بطریق اولی، به امر الهی پایبند بودند و
در تکریم و بزرگداشت و اطاعت از پدر و مادر سنگ تمام

گذاشتند. خاطره‌های بازمانده از این ویژگی شهدا بسیار زیاد است و ما طبق روال این مجموعه، گزیده‌هایی از آنها را در دسترس عموم بصورت موضوعی قرار می‌دهیم و همین مقدار هم کفایت می‌کند که از رفتار این اسوه‌ها الگو گرفته شود و در انجام واجب الهی حفظ حرمت و حریم پدر و مادر تلاش کنیم.

موسسه فرهنگی هنری قدرولایت